

سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۱۷)
خداوند بهر کس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهی میدهد.

از اصول و قواعد اهل سنت و جماعت در عقیده

تألیف: الشیخ صالح بن فوزان الفوزان

ترجمه

إسحاق بن عبدالله بن محمد دبیری

چاپ اول

ذی قعده

۱۴۲۳هـ ق . ۱۳۸۱هـ ش



از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده





از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده



: از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده.
: الشيخ صالح بن فوزان الفوزان.
: إسحاق بن عبدالله بن محمد دبیری.
: مترجم.
: (۱۰,۰۰۰).
: ذی قعدة ۱۴۲۳ هـ . ق . ۱۳۸۱ هـ . ش .
حقوق الطبع محفوظة



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

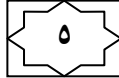
مقدمه مترجم:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:
اصول و قواعد اهل سنت بسیار است، این کتاب فقط اشاره
ای به بعضی از قواعد مهم شده که ما آنرا به فارسی نگارش
نمودیم.

امید است این قواعد مورد درک و فهم، و در صحنه عمل
افراد جامعه قرار گیرد.

از خداوند مسئلت داریم که ما و دانشمند محترم مؤلف این
کتاب و خوانندگان گرامی از اجر و پاداش خیر دور نفرماید، و
آنرا خالص برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و ما را از
جمله این حدیث شریف بگرداند، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إذا
مات ابن الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاثة: صدقة جارية أو علم
ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له». مسلم.

اگر انسان دنیا را وداع گفت همه اعمال و کردار او قطع
خواهد شد مگر از سه چیز: صدقه ای که در جریان و روان



از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده



باشد و به مردم برسد، و علم و دانشی که مردم از آن استفاده
ببرند، و فرزندی نیک و صالح که برایش دعا کند.

اسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض: ۱۴۲۱/۱۲/۲۰ هـ. ق - ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ هـ. ش





مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين هداانا للإسلام، ﴿وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله﴾. [الأعراف ٤٣].

[اگر هدایت و لطف الهی نبود ما خود در این مقام راه نمی‌یافتیم].

و از خداوند مسئلت داریم تا وداع این دنیا، ما را ثابت قدم و استوار نگه دارد، چنانکه می‌فرماید: ﴿يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون﴾. [آل عمران ١٠٢].
[ای کسانی که ایمان آوردید از خدا بترسید آن چنان که شایسته ترسیدن از اوست، (همیشه بر پرهیزگاری و اخلاص در ایمان باشید تا نتیجه آن عاقبت خیر باشد)، و نمیرید مگر به دین اسلام].

وأن لا يزيغ قلوبنا بعد أن هدانا، ﴿ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا﴾. [آل عمران ٨].

[پروردگارا دل های ما را به کج روی و باطل مینداز بعد از این که ما را به راه راست هدایت فرمودی].



وصلی الله وسلم علی نبینا و قدوتنا وحبیبنا محمد رسول الله
الذی بعثه رحمۃ للعالمین، ورضی الله عن أصحابه البررة
الأطهار المهاجرین والأنصار، ومن تبعهم بإحسان ما تعاقب
اللیل والنهار .

وبعد: این چند کلمه مختصری در بیان عقیده اهل سنت و
جماعت است و انگیزه نوشتن آن این بود که امت اسلامی در
حالت پراکندگی و اختلاف بسیار زیادی قرار دارد، آن هم به
سبب وجود بسیاری از گروه های متعدد معاصر که با هم
اختلاف داشته، هر یکی از آنها به روش و طریقه خود دعوت
کرده، و گروه خود را شایسته و والاتر می داند، تا این که افراد
نادان مسلمان گیج شده نمی داند کدام يك از این گروه ها را
پیروی کند، و به چه کسی اقتدا و تأسی نماید، و کافری که
بخواهد مسلمان شود نمی داند اسلام حقیقی که در باره آن
خوانده و شنیده کدام است، آن اسلامی که قرآن و سنت پیامبر
ﷺ به سوي آن دعوت کرده، اسلامی که زندگی صحابه گرامی
نمایان گر آن بوده، و اهل قرون برتر آن را سیره خود قرار



داده بودند، یا اینکه فقط نام اسلام را می‌بینند، و بنا به گفته یکی از باخترشناسان (مستشرقین): اسلام پنهان و پوشیده است، یعنی مسلمانانی که پیرو اسلام هستند، بیان کننده اسلام حقیقی نیستند .

ما نمی‌گوئیم که به طور کلی اسلام وجود ندارد، زیرا خداوند بقاء آنرا در دو چیز نهفته است: در بقای قرآن، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾. [الحجر ۹].

[ما قرآن را بر تو نازل کردیم، و ما هم آن را محفوظ خواهیم داشت] .

و در بقای گروهی از مسلمانان که اسلام حقیقی را بیان می‌کنند و آن را حفظ و نگهداری کرده از آن دفاع می‌کنند، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾. [المائدة ۵۴].

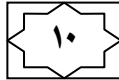


[اي مردمی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خویش برگردد، خدا گروهی را به میان می‌آورد که ایشان را دوست می‌دارد، و ایشان او را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان پر محبت، و بر کافران سختگیرتر و پر خشم اند، در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش و نکوهش و ملامت هیچ کسی باکی ندارند].

و می‌فرماید: ﴿وإن تتولوا يستبدل قوماً غیرکم ثم لا یكونوا أمثالکم﴾. [محمد ۳۸].

[و اگر پشت به فرمان او کنید و راهنمایی‌هایی او را نپذیرید به جایی شما گروهی غیر از شما می‌آورد (که فرموده خدا را تصدیق کنند و بر راه او روند و به شریعت او عمل کنند و به آنچه خدا فرمود عمل نمایند و پیرو پیامبر باشند)، آنگاه آنان مانند شما نخواهند بود].

بلی آن جماعت و گروهی است که رسول اکرم ﷺ از آنها خبر داده و می‌فرماید: ((لا تزال طائفة من أمتي علي الحق



ظاهرين لا يضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتي يأتني أمر الله
تبارك وتعالى وهم علي ذلك». [متفق عليه].

((همواره گروهی از امت من بر حق ظاهر و آشکارند، و
عدم تأیید و عدم نصرت و یاری کسی، و مخالفت هیچ کس به
آنها ضرر نمی‌رساند تا این که امر خدا یعنی قیامت بر پا شود
و آنان بر همان راه حق خود می‌باشند)).

و از این جا بر ما واجب می‌شود تا با این گروه مبارك آشنا
شویم، آن گروهی که اسلام صحیح را بیان می‌کنند - خدایا ما
را از آنها بگردان - و همانا شناختن آن واجب است برای
کسی که بخواهد با آن اسلام حقیقی و صحیح و پیروان حقیقی
آنها آشنا شده، و به آنها اقتداء و تأسی کند و بر روش آنها برود
و به آنها بپیوندد، و برای غیر مسلمانان که بخواهند به اسلام
داخل شوند .





تعریف گروه نجات یافته، اهل سنت و جماعت

مسلمانان در عصر رسول اکرم ﷺ، امت یکتا بودند، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾. [الأنبياء ۹۲].

[این حقیقت آشکار است که امت شما یکتاست، (و دارای یک راه و یک عقیده، و یک آیین است) و من پروردگار یکتا و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید].

یهود و منافقین چنان کوشش کردند تا بین مسلمانان در زمان پیامبر اکرم ﷺ تفرقه و اختلاف بیندازند، ولی نتوانستند، چنان که خداوند از قول منافقین چنین می‌فرماید: ﴿لَا تَتَّفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا﴾. [المنافقون ۷].

[بر اصحاب و یاران رسول الله مال را انفاق نکنید تا از دور او پراکنده شوند (و او را رها کنند)].

و خداوند در رد آنها چنین پاسخ داد: ﴿وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾. [المنافقون ۷].

[گنج های آسمان ها و زمین نزد خداست، لیکن منافقان (این را) نمی دانند (و آنرا درک نمی کنند)].

یهودیان کوشش کردند تا بین مسلمانان تفرقه و اختلاف بیاندازند و آن ها را از دین اسلام باز دارند، چنان که باری تعالی می فرماید: «وقالت طائفة من أهل الكتاب آمنوا بالذي أنزل علي الذين آمنوا وجه النهار واكفروا آخره لعلهم يرجعون» . [آل عمران ۷۲].

[و گروهی از اهل کتاب گفتند به دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز (با نیرنگ) ایمان آورید، و آخر روز کافر شوید، شاید (با این حلیه) آنها نیز از دین اسلام برگردند].

ولي این دسیسه های آن ها به پیروزی نرسید، زیرا خداوند آن ها را آشکار کرد و رسوا نمود، بار دوم به این دسیسه ها دست زدند و آن چه بین انصار از جنگها و دشمنی ها قبل از اسلام رخ داده بود برای شان بازگو می کردند، و آنچه بین آن ها از شعرها گفته شده بود بازگو می کردند، ولي خداوند دسیسه

هاي آنها را آشكار نمود، چنان كه مى فرمايد: ﴿يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا فريقاً من الذين أوتوا الكتاب يردوكم بعد إيمانكم كافرين و كيف تكفرون وأنتم تتلي عليكم آيات الله وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله فقد هدي إلي صراط مستقيم . يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم علي شفا حفرة من النار فأنقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون . ولتكن منكم أمة يدعون إلي الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك لهم عذاب عظيم . يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فأما الذين اسودت وجوههم أكفرتم بعد إيمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون﴾. [آل عمران ۱۰۰ - ۱۰۶].

[اي مؤمنان اگر پیروي و اطاعت گروهی از اهل کتاب
نمایید شما را بعد از ایمان داری به کفر بر می گردانند، و



چگونه شما (مؤمنان) کافر خواهید شد در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیغمبر خدا در میان شما است . و کسی که به دین خدا چنگ زند به راستی به راه مستقیم هدایت یافته . ای مردمی که ایمان آورده اید از خدا آن چنان که شایسته ترسیدن از اوست بترسید، و نباید مرگ شما فرار سد مگر در حالی که مسلمان باشید . و همگی به ریسمان خداوندی که همانا اسلام است چنگ زده و از یکدیگر پراکنده مشوید، و نعمت هایی که خدا به شما ارزانی فرمود به یاد آورید، دشمنان همدیگر بودید، خدا میان دل هایتان الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر (دینی) یکدیگر شدید، و در پرتگاه (چاله ای از) آتش بودید، خدا شما را نجات داد، (خدای توانا به برکت دین اسلام شما را همگی با هم برادر و همدست و دوستدار یکدیگر گردانید)، آن چنان که یاد شد خدا آیات خود را برای شما روشن فرمود تا به راه راست بروید . و باید از شما مسلمانان همیشه گروهی باشند که به سوی خیر و خوبی دعوت کنند و از بدی باز دارند و آنانی که چنین کنند، (امر بمعروف

نمایند و نهی از منکر کنند آنان) رستگاران هستند . و شما (مسلمانان) مانند مللی نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیموند پس از آن که آیات و دلایل روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمد، و چنین گروهی گرفتار عذاب سخت خواهند بود . روزی که کسانی رو سفید و کسانی رو سیاه گردند، آنهایی که روی‌شان سیاه شود (به آنان گفته می‌شود) آیا بعد از ایمان آوردنتان کافر شدید! (نتیجه اش این است که در برابر کفر آوردنتان عذاب خداوندی بچشید).

و رسول اکرم ﷺ برای انصار موعظه گفت و آنها را از نعمت اسلام و اجتماع آنها بعد از تفرقه یادآوری نمود، در این حال انصار با هم دست دادند و همدیگر را به آغوش کشیدند . [تفسیر ابن کثیر ۳۹۷/۱، و کتاب أسباب النزول للواحدي ص ۱۴۹ - ۱۵۰].

اینجا بود که دسیسه های یهود بر هم خورد و مسلمانان امت یکپارچه باقی ماندند، و خداوند آنها را به اجتماع و هماهنگی بر حق امر فرمود و از اختلاف و تفرق باز داشتند،

چنان که می‌فرماید: «ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات». [آل عمران ۱۰۵].

[و مانند مردمی مباشید که از هم پراکنده شدند و اختلاف به میان آوردند و تفرق و اختلافشان بعد از رسیدن نشانه های آشکار از خدای تعالی به ایشان بود].

و هم چنان می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». [آل عمران ۱۰۳].

[و همگی به رشته (دین) خدا چنگ بزنید، و به راه های متفرق پراکنده مشوید].

خداوند اجتماع و هماهنگی را در به جا آوردن عبادات در نماز و روزه و حج و طلب علم و دانش مشروع کرده است، و رسول اکرم ﷺ مسلمانان را به هماهنگی تشویق نمودند و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشتند، و از چیزی خبر می‌دادند که به هماهنگی و اجتماع تشویق کرده و از تفرقه باز می‌دارد.

و خبر دادند که در این امت اختلاف و پراکندگی به میان خواهد آمد، چنان که در امت های قبل از اسلام چنین بوده



است، و فرمودند: ((فإنه من يعش منكم فسيروا اختلافاً كثيراً فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدي)).

[أبوداود والترمذي وأحمد وابن ماجه].

(زیرا هر کس از شما عمری طولانی کند، اختلافات و تفرقه های بسیاری خواهد دید، پس بر شماست که پیرو سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت شده که بعد از من می آیند باشید).

و در حدیث دیگر می فرماید: ((افتרכת اليهود علي إحدی وسبعین فرقة وافتרכת النصاري علي اثنين وسبعین فرقة وستفترق هذه الأمة علي ثلاث وسبعین فرقة كلها في النار إلا واحدة، قلنا: من هي يا رسول الله؟ قال: من كان علي مثل ما أنا عليه اليوم وأصحابي)).

[الترمذي والحاكم والآجری فی الشريعة وابن نصر المروزي فی السنة ص ۲۲ - ۲۳، واللالکائي فی شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ۱/ ۱۴۵ - ۱۴۷].



(یهود بر هفتاد يك فرقه و گروه تقسیم شدند، و نصاری بر هفتاد دو گروه، و این امت (یعنی مسلمانان) بر هفتاد سه گروه تقسیم خواهد شد، همه این فرقه ها و گروه ها در آتش جهنم اند مگر يك گروه، (صحابه گویند): پرسیدیم ای رسول خدا ﷺ این گروه رستگار چه گروهی است؟ فرمود: آنچه که من و یاران من امروز بر آن هستیم.

و در آخر عصر صحابه آنچه پیامبر ﷺ به آن خبر داده بودند واقع شد و امت پراکنده شدند، ولی این تفرقه تأثیر زیادی در کیان امت اسلام در قرون مفضلّه (قرنهایی که پیامبر از آنها به عنوان قرون برتر نام بردند) نداشت، با سده های بهتر و بزرگوار که رسول اکرم ﷺ درباره آن به خوبی ستوده اند و فرمودند: ((خیرکم قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم)). [متفق علیه].

بهترین قرن ها مدت زمانی که من در آن هستم می باشد، سپس قرنی که بعد از من می آید، سپس قرنی بعد از قرن دوم می آید.

قرن: یعنی يك دوره صد ساله.

راوي حديث گوید که: نمی‌دانم بعد از قرني که رسول اکرم ﷺ در آن بود، دو قرن ذکر کرد، یا سه قرن، و فضیلت این قرن ها به سبب زيادي علماء هم چون محدثين و مفسرين و فقهاء که شامل علمای تابعين و تابع تابعين و امام های چهارگانه و شاگردان آنها بود، و هم چنان نظر به وجود يك دولت قوي که گروه های مخالف در آن با دلائل و حجت کيفر خود را می‌دیدند.

بعد از تمام شدن قرن های مفضله (سده های گزیده) مسلمانان با اصحاب دين های مخالف اسلام مخلوط شدند، و کتب ادیان کفر به عربي ترجمه شد، و پادشاهان مسلمانان بعضي از کافران و گمراهان را به خاندان خود خواندند و آنها را وزير و مستشار خود کردند، در این جا بود که اختلاف پیدا شد و گروه ها و گروهك ها و مذاهب باطل به میان آمد، و از آن وقت تا حال حاضر این سلسله جریان داشته، و تا آنگاه که خدا بخواهد چنین خواهد بود.



لیکن به حمد خداوند متعال گروه رستگار اهل سنت و جماعت با چنگ زدن به اسلام درست و حقیقی پایدار مانده، و به آن عمل نموده، و دیگران را به آن دعوت می‌نمایند، و وجود این گروه مصداق حدیث پیامبر خداست که از بقای آن و پایداری و استوار بودن آن، خبر داده است، و این فضل خداوند راجع به بقای این دین و دلیل حجت بر گمراهان و گروه عناد و ستیزه می‌باشد.

این گروه مبارك روشن‌گر روش صحابه بزرگوار با پیامبر خدا در گفته‌ها و کارها و اعتقاد می‌باشد، چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: ((هم من كان علي مثل ما أنا عليه اليوم وأصحابي)). [در ص ۱۸ گذشت].

آنها کسانی‌اند که به آنچه امروز من و یاران من بر آن هستیم چنگ زده‌اند.

آنها باز ماندگان صالح و نیکوکار آن کسانی‌اند که خداوند در باره آنها چنین فرموده است: ﴿فلولا كان من القرون من قبلكم أولوا بقية ينهون عن الفساد في الأرض﴾. [هود ۱۱۶].



[چرا که در قرن ها و ملت هاي گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که خلق را از فساد و اعمال زشت در زمین منع و نهی کنند].





نامهای گروه رستگار و نجات یابنده و تعریف آن

از آن جایی که این گروه، از گمراهی دور هستند، باید نام ها و نشانه های آن را دانست تا این که به آن اقتداء و تأسی نمود، زیرا آن نام های بزرگ و عظیمی دارد که توسط آن از دیگر گروه ها ویژگی خاصی به خود کسب نموده است، و از مهمترین این نام ها و نشانه ها این که از گروه های رستگار، و گروه تأیید و پیروز شده اهل سنت و جماعت است، و معانی هر یکی از آن چنین است:

۱ - گروه رستگار:

یعنی رستگار از آتش جهنم، چنان که پیامبر ﷺ وقتی گروه ها را ذکر نمودند این گروه را استثنا کردند و فرمودند: «كلها في النار إلا واحدة».

همه آنها در آتش جهنم اند مگر یکی، یعنی آن یکی در آتش نیست.

۲ - کسانی که به کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ و به آنچه که پیشینیان از مهاجرین و أنصار بر آن بودند چنگ زنند.



چنان که پیامبر ﷺ در باره آنها فرمودند: ((هم من كان علي مثل ما أنا عليه اليوم وأصحابي)).

آنها کسانی‌اند که جنگ می‌زنند به آنچه امروز من و یاران من بر آن هستیم.

۳ - این گروه از اهل سنت و جماعت هستند، که به دو امتیاز برتری دارند:

الف - جنگ زدن به سنت پیامبر ﷺ تا آن که اهل سنت شده‌اند، بر خلاف گروه‌های دیگر که به اعتقاد خود و گفته‌های رهبران‌شان تمسک می‌ورزند، بنابر این به سنت رسول الله ﷺ نسبت داده نمی‌شوند، بلکه به بدعت و گمراهی خود مانند فرقه قدریه و فرقه مرجئه، یا به امامان خود مانند فرقه جهمیه، یا به کارها و کردار زشت خود مانند رافضه و خوارج نسبت داده می‌شوند.

ب - کسانی که اهل جماعت هستند به سبب اجتماع آنها بر حق و عدم پراکندگی و تفرق، بر خلاف گروه‌های دیگر که بر

حق یکپارچه نیستند، بلکه هوا و میل خود را پیروی می‌کنند و حقی در نزدشان وجود ندارد تا آنها را با هم یکپارچه سازد.

۴ - کسانی که تا روز قیامت پیروز و کامیاب هستند، زیرا دین خدا را یاری داده و خداوند این گروه را یاری فرموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنْ تَتَصَرَّوْا اللَّهَ يَنْصَرِّكُمْ﴾. [محمد ۷].

[شما اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را (در همه جا و همه چیز) یاری کند].

به همین سبب رسول اکرم فرمودند: ((لا يضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتي يأتي أمر الله تبارك وتعالى وهم علي ذلك)).

و عدم تأیید و عدم نصرت و یاری کسی، و مخالفت هیچ کس به آنها ضرر نمی‌رساند تا این که امر خدا یعنی قیامت بر پا شود و آنان بر همان راه حق خود می‌باشند.



اصول اهل سنت و جماعت

اهل سنت و جماعت بر اساس اصولی ثابت و واضح و آشکار عمل می‌کنند، آن هم در اعتقاد و اعمال و رفتار و اخلاق و این اصول بزرگی است که از کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ و آنچه سلف صالح از صحابه و تابعین و پیروان نیکو بر آن بودند تلقی کرده، فراگرفته اند، و این اصول و قواعد در چند چیز ذیل خلاصه می‌شود:

اصل و قاعده اول:

ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبران خدا و روز آخرت و ایمان به قضا و قدر، خیر و شر آن.

۱ - ایمان به خدا: تصدیق به یگانگی خدا، یعنی تصدیق کردن توحید سه گانه و اعتقاد داشتن و عمل کردن به آن، آنهم: توحید ربوبیت، و توحید الوهیت، و توحید اسماء و صفات است

توحید ربوبیت: و آن عبارت است از توحید افعال خداوند، یعنی: معتقد بودن به این که همه چیز هم چون آفریدن، و

روزي دادن، و زنده كردن، و ميرانيدن از جانب خداست، و اين كه او پروردگار و مالك همه چيز است.

و توحيد الوهيت: اين كه تنها خدای يگانه سزاوار تمام عباداتي است كه بنده آن را به شكل مشروع براي نزديك شدن به خدا انجام می‌دهد، هم چون: دعاء، و ترس، و اميد، و دوستي، و قرباني، و نذر، و ياري خواستن، و پناه گرفتن، فريادرسي و كمك، و نماز و روزه، و حج، و انفاق در راه خدا، و آنچه را مشروع نموده و به آن امر فرموده است، و براي خدا ديگري را شريك قرار نمی‌دهند، نه فرشته اي مقرب، و نه پيامبري فرستاده، و نه ولي‌اي از اولياء، و نه غير از اين ها.

توحيد اسماء و صفات: ثابت كردن نام ها و صفاتی كه خدا آن را به خود، و يا پيامبرش آن را به او ثابت نموده است، و پاك دانستن و منزّه داشتن خدا از هر عيب و نقصي كه خود را از آن منزّه داشته، و يا پيامبرش او را از آن منزّه دانسته باشد، و اين همه بدون هيچ گونه تمثيل، و تشبيه، و تحريف، و



تعطیل، و تأویل، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿لیس کمثله شیء وهو السميع البصیر﴾. [الشوری ۱۱].

[مانند او چیزی نیست، و او شنوای بیناست].

چنان که می‌فرماید: ﴿ولله الأسماء الحسنی فادعوه بها﴾. [الأعراف ۱۸۰].

[و برای اوست بهترین نام‌ها (نام‌های نود و نه گانه که در حدیث آمده) خدا را با آن نام‌ها بنامید و به آن نام‌ها دعا کنید، و مناسب با آن عمل کنید].

۲ - ایمان به فرشتگان خدا: یعنی تصدیق کردن به وجود آن‌ها، و این که خلقی از مخلوقات خداوند، و آن‌ها را از نور آفریده است تا او را عبادت کنند، و فرمان او را در جهان هستی بجا آورند، چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول وهم بأمرهم یعملون﴾. [الأنبیاء ۲۶ - ۲۷].

[بلکه آنان همه بندگان گرامی خدا بودند، همیشه گفتار ایشان بعد از گفتار خداست، همیشه مطیع فرمان خدای خود هستند].

۳ - ایمان به کتاب های خدا: یعنی تصدیق به آن، و به راهنمایی و نوری که در آن است، و این که خداوند آن را برای هدایت بشریت بر پیامبران خود نازل فرموده، و عظیم ترین آن کتاب ها تورات و انجیل و قرآن است، و عظیم ترین این سه کتاب، قرآن است، و آن معجزه ای بزرگ و عظیمی است، خداوند می فرماید: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾. [الإسراء ۸۸].

[بگو ای رسول خدا اگر انس و جن همه همدست شوند تا مانند این قرآن بیاورند، نتوانند، و اگر چه بعضی از ایشان پشتیبان بعضی دیگر و مددکار یکدیگر شوند].

اهل سنت و جماعت ایمان دارند که قرآن کلام خداست، و حروف و معانی آن مخلوق نیست، به خلاف آنچه جهمیة و معتزله می گویند که: قرآن همه اش با حروف و معانی آن مخلوق است، و به خلاف آنچه که اشاعره و پیروان آنها می گویند که: کلام خدا عبارت از معانی آن است، ولی حروف آن مخلوق

است، و هر دو قول باطل است، خداوند می‌فرماید: ﴿وإن أحد من المشركين استجارك فأجره حتي يسمع كلام الله﴾. [التوبة ۶].
 [و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (تا از دین آگاه شود) او را پناه ده تا کلام خدا (قرآن) را بشنود].
 و می‌فرماید: ﴿یریدون أن یبدلوا كلام الله﴾. [الفتح ۱۵].
 [می‌خواهند کلام خدا (قرآن) را تغییر دهند].
 پس آن سخنان و کلام خداست، نه سخنان و کلام دیگری غیر از خدا.

۴ - ایمان به پیامبران خدا: یعنی تصدیق کردن تمامی پیامبران، آنان که خداوند نام آنها را ذکر کرده، و آن که نامشان ذکر نشده است، از اول تا آخر آنها، و آخرین و خاتم آنان، پیامبرمان محمد ﷺ می‌باشد، ایمان به پیامبران ایمان مجمل و به طور خلاصه است، و ایمان به پیامبرمان محمد ﷺ دارای تفصیل است، و اعتقاد به این که خاتم پیامبران محمد ﷺ است، و بعد از او پیامبری نیست، و کسی که این اعتقاد را نداشته باشد کافر است، و ایمان به پیامبران هم چنان به معنای عدم



افراط و زیاده روی و بدون کم کاری در حق آنهاست، بر خلاف یهود و نصاری که در بعضی از پیامبران زیاده روی و افراط کرده اند تا اینکه آنها را فرزندان خدا دانسته اند، چنان که می‌فرماید: ﴿وقالت اليهود عزير ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله﴾. [التوبة ۳۰].

[یهودیان گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند عیسی مسیح پسر خداست].

و گروهی از متصوفین و فلاسفه (فیلسوف ها) در حق پیامبران کوتاهی کرده و آنان را تحقیر نموده و امامان خود را بر آنها برتری دادند، و بت پرستان و کافران به تمامی پیامبران کافر شدند، و یهود به عیسی و محمد علیهما الصلاة والسلام کافر شدند، و نصاری به محمد ﷺ کافر شدند، و کسی که به بعضی از پیامبران ایمان آورد، و به بعض دیگر کافر شود، او در حقیقت به تمامی پیامبران کافر است، خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ

ورسله ویقولون نؤمن ببعض ونکفر ببعض ويريدون أن يتخذوا بين ذلك سبيلاً أولئك هم الكافرون حقاً». [النساء ۱۵۰ - ۱۵۱].

[مردمی که به خدا و پیامبر او کفر می‌آورند و می‌خواهند بین خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و می‌گویند ما به برخی از انبیاء ایمان می‌آوریم و به بعضی ایمان نمی‌آوریم، و می‌خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند. در واقع این ها کافر واقعی هستند].

و می‌فرماید: «لا نفرق بين أحد من رسله». [البقرة ۲۸۵].

[ما بین هیچ يك از پیغمبران فرق نمی‌گذاریم (بلکه به همه آنها ایمان می‌آوریم)].

۵ - ایمان به روز آخرت: یعنی تصدیق به آنچه بعد از مرگ خواهد بود، و خدا و رسولش از آن خبر داده است، مانند: عذاب قبر و خوشی آن، و بر خاستن از قبرها، و حشر، و حساب، و ترازوی اعمال، و گرفتن نامه ها با دست راست یا دست چپ، و پل صراط، و بهشت و دوزخ، و آمادگی



برای آن ها با اعمال و کردار نیک، و ترك اعمال بد، و توبه از آنها.

و فرقه دهری ها (منکران خدا) و مشرکین، به روز آخرت کافر شده اند، و یهود و نصاری به روز آخرت ایمان صحیح نیاورده اند، گرچه به وقوع آن ایمان دارند، خداوند می فرماید: ﴿وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارِي﴾. [البقرة ۱۱۱].

[و گفتند به بهشت نخواهد رفت مگر یهود، و نصاری].
و می فرماید: ﴿وَقَالُوا لَن تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً﴾. [البقرة ۸۰]. [و (یهودیان) گفتند که هیچ وقت خدا ما را در آتش عذاب ندهد مگر روزهای محدود و انگشت شماری].

۶ - ایمان به قضا و قدر: یعنی به این که خداوند علم آن چه بوده و خواهد بود را می داند، و در لوح محفوظ مقدر و سرنوشت کرده است، و آن چه از خیر و شر، و کفر و ایمان، و طاعات و معصیت، جاری است خداوند آن را دانسته و خلق کرده و مقدر نموده است، و این که طاعت را دوست دارد، و



معصیت را مکروه می‌دارد و از آن نفرت دارد، و بندگان در اعمال و کردار خود، اعم از طاعت اختیار و قدرت و اراده دارند، ولی آن تابع ارادت و مشیت خداست، بر خلاف فرقه جبریه که گویند بنده بر اعمال و کردارش مجبور است و هیچ اختیاری ندارد، و بر خلاف فرقه قدریه که می‌گویند بنده اراده مستقل از اراده و مشیت خدا دارد، و اینکه اعمال و کردار خود را خلق می‌کند بدون این که خدا اراده و مشیت آن عمل و کردار را داشته باشد، و خداوند هر دو فرقه و گروه را با آیه ذیل تکذیب نموده است و می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾. [التکویر ۲۹].

[و شما نمی‌خواهید مگر آنچه پروردگار عالمیان بخواهد].
و اراده و مشیئت خود را تابع اراده و مشیئت خدا قرار دهید، پس برای بنده مشیئت ثابت کرد، و این ردّ بر افراط کنندگان فرقه جبریه است، و آنرا تابع مشیئت خود دانست، و در آن ردّ بر طایفه قدریه است، و ایمان به قدر و سرنوشت بنده را صبر (وشکیبایی می‌بخشد و از گناهان و عیب‌ها



از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده



دورش می‌نماید، هم چنانکه آنان را به سوي انجام عمل و
کردار تشویق نموده سوق می‌دهد و سستی و ناتوانی و ترس و
کسالت را از او دور می‌کند.



اصل و قاعده دوم

از اصول و اساس اهل سنت و جماعت این است که ایمان: قول و عمل و تصدیق است، با اطاعت زیاد شده، و با گناه کم می‌شود، و ممکن نیست که ایمان قول و عمل بوده و تصدیق نباشد، زیرا این ایمان منافقین است، و ایمان بدون شناخت و دانستن بدون قول و عمل نیست، زیرا این ایمان کافرین و منکرین است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَجِدُوا بِهَا وَاسْتِيقِنْتُهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عَلَٰءٌ﴾. [النمل ۱۴].

[و آن معجزات را انکار کردند در حالیکه دل هایشان یقین صدق آن را داشت، انکارشان از روی ظلم و تکبر و خود را بالا گرفتن از قبول حق بود].
و می‌فرماید: ﴿فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾. [الأنعام ۳۳].

[برای این که آن‌ها در دل خود راستگویی و امانت تو را می‌دانند و بنابر آن تو را دروغگو نمی‌دانند و لکن آن ستمکاران نه تنها تو را، بلکه همه آیات خدا را انکار می‌کنند].

و می‌فرماید: ﴿وَعَاداً وَثُمُوداً وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ
وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا
مُسْتَبْصِرِينَ﴾. [العنكبوت ۳۸].

[و قوم عاد و ثمود را که منازل خراب و ویرانشان به چشم
می‌بینند آنها نیز با آن که بینا و هوشیار بودند چون شیطان
اعمال زشت و بدشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه
حق آنها را باز داشت همه هلاک و نابود گردیدند].

ایمان فقط تصدیق نیست، و یا این که قول و تصدیق بدون
انجام عمل نیست، زیرا این ایمان فرقه مرجئه است، خداوند
تعالی در بیشتر اوقات اعمال و کردار را ایمان می‌نامد، چنان
که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ
وَإِذَا تَلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ
يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا﴾.
[الأنفال ۲ - ۴]. [مؤمنان حقیقی کسانی هستند که هرگاه از خدا
ذکر شود دل‌های‌شان از ترس بر خود بلرزد، و هرگاه آیات خدا
بر ایشان خوانده شود ایمان و تصدیقشان را بیفزاید و فقط بر



خدا ایمان و توکل داشته باشند نه غیر از او. آنها مردمی هستند که نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه روزیشان نمودیم و به ایشان دادیم انفاق می‌کنند، آنان مؤمنان بر حق و واقعی هستند]. و می‌فرماید: ﴿وما كان الله ليضيع إيمانكم﴾. [البقرة ۱۴۳]. [خداوند کردارشان که نماز بود ضایع نمی‌گرداند]. یعنی نماز هایتان را به سوي بيت المقدس، و نماز را ایمان نامیده است.



اصل و قاعده سوم:

از قواعد اهل سنت و جماعت این است که هیچ کس از مسلمانان را کافر نمی‌دانند مگر این که مرتکب یکی از نواقض اسلام شود، اما اگر یکی از گناهان کبیره غیر از شرک را انجام داد و دلیلی بر کفر مرتکب آن نبود مانند ترك نماز از روی کسالت، او را با انجام این گناه کبیره کافر نمی‌دانند، لیکن او را فاسق و ناقص الایمان می‌دانند، و اگر از آن گناه کبیره توبه نکرد زیر مشیت خداست، اگر خواست او را می‌بخشد، و اگر خواست او را عذاب می‌دهد، ولی در دوزخ جاودان نمی‌شود، خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾. [النساء ۴۸].

[خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی‌بخشد و غیر از شرک گناهان دیگر را برای کسی که بخواهد می‌بخشد].

و مذهب اهل سنت مذهب وسط و در میانه است بین مذهب خوارج که مرتکب کبیره را اگر هم شرک نباشد، کافر می‌دانند، و بین مذهب مراجعه که او را مؤمن کامل الایمان می‌دانند، و



می‌گویند با وجود ایمان هیچ گناه اشکال ندارد، هم چنین با کفر
هیچ طاعت و فرمانی فایده ندارد.





اصل و قاعده چهارم:

از قواعد اهل سنت و جماعت وجوب اطاعت از فرمانداران و حکام مسلمین است، تا هنگامی که به معصیت خدا امر نکنند، و اگر به معصیت خدا امر کنند طاعت آنها واجب و جایز نیست، و فقط طاعت آنها در معروف غیر از کفر خواهد بود، عمل به قول خداوند که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾. [النساء ۵۹].

[ای مردمی که ایمان آوردید به فرمان خدا باشید، و فرمان پیغمبر خدا را اطاعت کنید، و از فرمانروایان (تا آنجا) اطاعت کنید (که شما را به فرمانبری خدا و رسول امر می‌کنند)].

قول رسول الله: ((أوصيكم بتقوي الله والسمع والطاعة وإن تأمر عليكم عبد)). [أحمد، وأبوداود، الترمذي، وابن ماجه والدارمي].

شما را به تقوي و پرهيزگاري و شنيدن و اطاعت کردن سفارش می‌کنم، اگر هم بر شما بنده سياه پوست امير و فرمانروا شود.

اهل سنت و جماعت اعتقاد دارند که معصيت از امير و فرمانرواي مسلمان معصيت از رسول اکرم ﷺ می‌باشد چنان که پيامبر ﷺ می‌فرمايد: «(من يطع الأمير فقد أطاعني ومن عصي الأمير فقد عصاني)». [متفق عليه]. کسی که از امير و فرمانروا اطاعت کند از من اطاعت کرده، و هر کس از او نافرمانی نماید از من نافرمانی کرده است، و نماز پشت سرشان، و جهاد با آنان، و دعاکردن برای‌شان به نيکي و استقامت، و نصيحت کردن آنان را جايز و مشروع می‌پندارند.





اصل و قاعده پنجم:

از قواعد اهل سنت و جماعت خروج بر فرمانروا و حکام مسلمین اگر مخالفتی غیر از کفر باشد حرام می‌دانند، آن هم به خاطر فرمان رسول الله ﷺ که از آنها در غیر معصیت اطاعت شود تا زمانی که از آنها کفر آشکار سر نزند، خلاف فرقه معتزله که هنگامی که حکام مسلمین مرتکب گناه کبیره شوند خروج را بر آنان واجب می‌دانند، گرچه مرتکب کفر هم نشده باشند، و آن را امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند، در حالی که این عمل آنها از بزرگترین منکرات به شمار می‌رود، چون خروج بر آنها سبب خطرهای بزرگی مانند: بی‌نظمی و فساد و تفرقه و اختلاف، و تسلط یافتن دشمن خواهد بود.

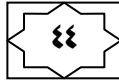


اصل و قاعده ششم:

از قواعد اهل سنت و جماعت حسن نیت و خلوص دل و زبان بر صحابه پیامبر ﷺ می‌باشد، چنانکه خداوند هنگامی که مهاجرین و انصار را یاد آور شد و آن‌ها را ستایش کرد، چنین توصیف فرمود: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾. [الحشر ۱۰].

[و آنان که بعد از مهاجر و انصار آمدند، (یعنی تابعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت، همیشه در دعا به درگاه خدا) عرض می‌کنند پروردگارا بر ما و برادران دینی‌مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد بر مؤمنان قرار مده، پروردگارا تویی که در حق بندگان بسیار با رحم و مهربانی].

و عمل به قول رسول الله که فرمودند: ((لا تسبوا أصحابي فوالذي نفسي بيده لو أنفق أحدكم مثل أحد ذهباً ما بلغ مد أحدهم ولا نصيفه)). [متفق علیه].



یاران مرا ناسزا نگوئید، و دشنام ندهید، سوگند به ذاتی که
جانم در دست اوست اگر یکی از شما به اندازه کوه احد طلا
انفاق (صدقه) نماید، انفاق و بخشش او به مقدار انفاق و بخشش
يك كف دست آنها و حتي نصف آن نمی‌رسد.

خلاف بر بدعت کنندگان و رافضه و خوارج که صحابه را
دشنام می‌دهند و فضایل آنها را انکار می‌کنند، و اهل سنت و
جماعت خلیفه را بعد از رسول الله ﷺ ابوبکر، سپس عمر،
سپس عثمان، سپس علي ؑ می‌دانند، پس هر کس در خلافت
یکی از آنها طعنه بزند، گمراه‌تر از الاغ خانواده اش می‌باشد،
چون با نص و اجماع که خلافت آنها را تأیید کرده، مخالفت
کرده است.



اصل و قاعده هفتم:

از قواعد اهل سنت و جماعت محبت و دوست داشتن اهل بیت رسول الله ﷺ است، عمل به قول رسول اکرم ﷺ که فرمودند: «أذكركم الله في أهل بيتي».

[مسلم وأحمد وغيره].

شما را در اهل بیت خود تذکر و یادآوری می‌کنم، (یعنی به آنها محبت کنید، و به آنها احترام بگذارید، و به آنها بد و بیراه نگوئید).

و از اهل بیت رسول الله ﷺ همسران او، امهات المؤمنین رضي الله عنهن وأرضاهن می‌باشند، چون خداوند هنگامی که آنها را مخاطب قرار داد فرمود: «يا نساء النبي». [الأحزاب ۳۲]. [ای زنان پیغمبر].

آنها را نصیحت کرد و به آنها وعده اجر و پاداش بزرگ داده است، آنگاه فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». [الأحزاب ۳۳].

خدا می‌خواهد ناپاکی و هر عیب را از شما همسران اهل بیت نبوت دور بدارد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند. اهل بیت اصلی و حقیقی همانا نزدیکان پیامبر خدا می‌باشند، و مقصود در اینجا افراد صالح و نیک آنها، اما نزدیکان غیر صالح و نیک هیچ حقی در اهل بیت پیامبر خدا ﷺ ندارند، مانند عموي (کاکا) پیامبر خدا ﷺ اَبی‌لهب، و امثال او، همان طوري که خداوند می‌فرماید: «تبت یدا اَبی لهب وتب». [المسد ۱].

[ابو لهب نابود شد و دو دستش قطع گردید].

و به محض نزدیک بودن و خویشاوندی با رسول اکرم ﷺ با عدم عمل و کردار نیک، صاحبش را هیچ نفعی از خدا نمی‌رساند، چنان که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «یا معشر قریش اشتروا أنفسکم لا أغني عنکم من الله شیئاً، یا عباس عم رسول الله لا أغني عنک من الله شیئاً، یا صفیة عمة رسول الله لا أغني عنک من الله شیئاً، یا فاطمة بنت محمد سلیني من مالي ما شئت لا أغني عنک من الله شیئاً». [متفق علیه].

ای معشر و جماعت قریش جان خود را از آتش جهنم بخريد و گردن خود را از آن آزاد نمایید، که نمی‌توانم از آنچه خدا از عذاب و ضرر برایتان خواسته شما را نجات دهم، ای عباس عموي رسول الله نمی‌توانم در مقابل خدا از تو دفاع کنم، ای صفیه عمه رسول الله نمی‌توانم در برابر خدا از تو دفاع کنم، ای فاطمه دختر پیامبر هر چه بخوای از مال من طلب کن که نمی‌توانم در مقابل عذاب و ضرری که خدا برایت خواسته از تو دفاع کنم.

و نزدیکان نیکوکار و صالح رسول الله ﷺ بر ما حق مراعات و محبت و احترام دارند، و جایز نیست که در آنها غلو و زیاده روی کنیم، و چیزی از عبادت را به آنها اختصاص دهیم، یا این که معتقد باشیم که به غیر از خدا یکی از آنها نفع و ضرری به ما می‌رساند، زیرا خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾. [الجن ۲۱].

[بگو من مالک و قادر بر خیر و شر شما نیستم].

و می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَا سْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ﴾. [الأعراف ۱۸۸].

[بگو من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا بر من خواسته باشد، و اگر من از غیب جز آن چه به وحی می‌دانم آگاه بودم بر خیر و نفع خود همیشه می‌افزودم و هیچ گاه زیان و رنج نمی‌دیدم].

اگر رسول الله ﷺ چنین باشد که نتواند به خود نفع و ضرری برساند مگر با اجازه خدا، پس چگونه غیر از او دیگری (می‌تواند این کار را بکند) پس آن عقیده را که بعضی از مردم در باره کسانی که به خویشان رسول الله ﷺ نسبت داده می‌شود، دارند، عقیده باطل است.



اصل و قاعده هشتم:

از قواعد اهل سنت و جماعت تصدیق کرامات اولیاء الله است، یعنی آن چه خداوند با دست بعضی از آن ها از کارهای خارق العاده انجام می دهد، چنان که قرآن و سنت بر آن دلالت کرده است.

و فرقه معتزله و جهمیه وقوع کرامات اولیاء را انکار کرده اند، و آن انکاری به امر واقع و معلوم است، لیکن باید دانست که بعضی از مردم در حال حاضر در موضوع کرامات گمراه شده و در آن غلو کرده اند، تا اینکه بعضی از چیزهایی به کرامات چسبانیده اند که از کرامات به شمار نمی رود، مانند جادوگری و اعمال سحر و شیطانی و حقه بازی.

فرق بین کرامات و جادوگری این است که: کرامات از دست بندگان صالح و نیکوکار خدا بر می خیزد.

و جادوگری از دست ساحران و کافران و ملحدان به قصد گمراهی خلق و خوردن و بالا کشیدن اموال آنهاست.

و سبب کرامات طاعت خداست.



از اصول عقیده اهل سنت و جماعت در عقیده



و سبب جادوگری و سحر، کفر و گناهان می باشد.



اصل و قاعده نهم:

از قواعد اهل سنت و جماعت در استدلال دنبالۀ روي و پیروي از آنچه قرآن و سنت رسول الله ﷺ به صورت ظاهري و باطني آورده اند، و پیروي از آنچه صحابه از مهاجرين و انصار بطور عموم، و از خلفاي راشدين به طور خصوص بر آن بودند، است، همان طوري که رسول اکرم ﷺ می فرماید: «عليکم بسنتي وسنة الخلفاء الراشدين». [أبوداود والترمذي وأحمد وابن ماجه]. معنای آن قبلاً گفته شده است. و بر کلام خدا و کلام رسول الله، کلام هیچ کس از بشر را جلو تر نمی دانند، به همین سبب اهل سنت و جماعت نامیده شده اند.

و بعد از گرفتن آنچه در قرآن و سنت باشد، آنچه علمای امت بر آن اجماع کرده اند می گیرند، و این قاعده سوم است که بعد از قرآن و سنت بر آن اعتماد می کنند، چنان که خداوند می فرماید: ﴿فإن تنازعتم في شئ فردوه إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون بالله واليوم الآخر ذلك خير وأحسن تأويلاً﴾. [النساء ۵۹].

[اگر در باره چیزی با هم اختلاف نمودید (برای رفع اختلاف) (کتاب خدا: قرآن) و به (سنت) پیامبر مراجعه نمایید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، (این مراجعه به کتاب خدا و سنت پیغمبر) برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود].

اهل سنت و جماعت معتقد به عصمت هیچ کس غیر از رسول الله ﷺ نیستند، و به رای و نظریه هیچ کس تعصب نمی‌ورزند تا این که موافق با قرآن و سنت باشد، و معتقدند که عالم مجتهد ممکن است خطا کند و ممکن است درست بگوید، و به هیچ کس اجازه اجتهاد نمی‌دهند مگر کسی که دارای شرایط اجتهادی باشد، که نزد علماء معروف است، و در مسائل و گفته‌هایی که در آن ترجیح به یکی از گفته‌ها ندارد، و نص مورد اجتهاد، احتمال دارد دارای چند معنی باشد، اهل سنت انکار بر یکدیگر نمی‌کنند.

و اختلاف در مسائل اجتهاد سبب دشمنی با یکدیگر و دوری از هم نمی‌گردد، چنان که اهل بدعت تعصب دارند و

چنین می‌کنند، بلکه اهل سنت هم دیگر را دوست داشته و پشتیبانی همدیگر می‌کنند، با وجود اختلاف در مسایل فرعی پشت سر هم نماز می‌خوانند، خلاف بر اهل بدعت که هر کس با آنها مخالفت کند او را دشمن و گمراه و کافر می‌دانند.



خاتمه

اهل سنت و جماعت با این اصول و قواعدی که گذشت صفات عظیمی که کامل کننده عقیده می باشد دارند که آن عبارت است از:

۱ - امر به معروف و نهی از منکر، در آن چه دین مبین آن را واجب کرده است، خداوند می فرماید: ﴿کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله﴾. [آل عمران ۱۱۰].

[شما (مسلمانان حقیقی) بهترین امتی هستید که به جهان آمد، زیرا به خوبی وادار می کنید، و از بدی جلوگیری می نمایید، و به خدای یکتا ایمان دارید].

و رسول اکرم ﷺ می فرماید: «من رأي منكم منکراً فليغيره بيده، فإن لم يستطع فبلسانه، فإن لم يستطع فبقلبه وذلك أضعف الإيمان». [مسلم و غیره].

کسی که از شما منکر و زشت و ناپسندی را دید آن را با دست خود تغییر دهد، و اگر نتوانست با زبان خود آن را تغییر

دهد، و اگر با زبان هم نتوانست با قلب خود آنرا زشت و بد بداند و این (مرحله) ضعیف ترین (مرحله) ایمان است.

گفتیم: آن چه دین مبین اسلام آن را واجب کرده، خلاف بر قول و گفتار فرقه معتزله که امر به معروف و نهی از منکر را از دایره آنچه که دین مبین واجب کرده خارج نموده اند و معتقدند که امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از: خارج شدن بر حکام و فرمانروایان مسلمان در صورتی که مرتکب گناهی شوند، اگر کفر هم نباشد.

در حالی که اهل سنت و جماعت معتقدند که حکام را نصیحت کنند و بر آن ها انقلاب و خروج نکنند و آن هم برای وحدت کلمه و دوری از اختلاف و تفرقه.

شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله گوید: (شاید دیده نشده گروهی که بر سلطان و حاکم خروج کرده باشند، مگر اینکه انقلاب آنها سبب فساد بیشتر از اصلاح ذات البین شده است. [مجموع الفتاوی ۱۷۹/۲۸ - ۱۸۰].

۲ - از صفات اهل سنت و جماعت محافظت بر شعائر اسلام مانند ادای نماز جمعه و جماعت است، خلاف بر نوآوران در دین و منافقین که نماز جمعه و جماعت را بجا نمی‌آورند.

۳ - و از صفات آن‌ها نصیحت هر مسلمان و کمک و یاری آنها در نیکوکاری است، عمل به سخن رسول الله ﷺ که می‌فرماید: ((الدين النصيحة، قلنا لمن؟ قال: لله ولكتابه ولرسوله ولأئمة المسلمين وعامتهم)).

[مسلم وأحمد وأبو داود والنسائي].

اسلام دین نصیحت است که به کردار و گفتار نیک نصیحت می‌کند، یاران پرسیدند: نصیحت برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا: (که به او ایمان بیاورید)، و برای کتاب خدا: (که آنرا بخوانید و مورد عمل قرار دهید)، و برای رسول خدا: (که از او اطاعت کنید)، و برای علماء و امرأ و حکام مسلمین: (که از آنها اطاعت کرده و آن‌ها را یاری دهید، و بر آنها انقلاب و خروج نکنید، مگر در حال کفر آشکار و واضح، در این جاست

که در برابر معصیت خالق، اطاعت از مخلوق درست نیست)، و همچنین برای تمام مردم: (که آنها را راهنمائی و به راه راست یاری دهید).

و عمل بقول رسول الله ﷺ که فرمودند: «المؤمن للمؤمن كالبنیان یثد بعضه بعضاً»). [متفق علیه].

مؤمن با مؤمن دیگر مانند ساختمانی است که يك قسمت آن، قسمت دیگر را محکم نگه می‌دارد.

۴ - از صفات آنها استوار و محکم بودن در وقت آزمایش و بلا، آنهم با صبر و شکیبایی بر بلاها، و شکر و سپاس خدا هنگام ناز و نعمت، و رضا و خشنودی به قضا و سرنوشت است.

۵ - و از صفات آنها این که بزرگی، و کرم، و جوانمردی، و کارهای نیک، و طاعت پدر و مادر، و صلۀ رحمی، و نیکی با همسایگان انجام می‌دهند، و از کبر و غرور و خودپسندی، و ظلم و ستم، و تکبر بر مردم، دوری می‌جویند، عمل به سخنان خداوند سبحانه: ﴿واعبدوا الله ولا تشركوا به شیئاً وبالوالدين

إحساناً وبذي القربي واليتامي والمساكين والجار ذي القربي والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل وما ملكت أيمانكم إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً». [النساء ۳۶].

[خدای یگانه را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر، و خویشان، و یتیمان، و فقیران، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست نزدیک، و رهگذران، و بردگان، و پرستاران که زیر دست شمایند، در حق همه، نیکی و مهربانی کنید، که خدا مردم خودپسند متکبر را دوست نمی‌دارد].

عمل به گفته رسول الله ﷺ که می‌فرماید: ((أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا)).

[أحمد والترمذي وأبوداود وغيرهم].

بهترین مؤمنان و کاملترین ایمان آنها، کسی است که اخلاق او خوب و نیک باشد.



از خدا خواستاریم که ما را با منت و کرم خود از آنان
بدارد، و بعد از هدایت، قلب ما را به گمراهی و انحراف
نکشاند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.





فهرست مطالب

۴	مقدمه مترجم
۶	مقدمه مؤلف
۱۱	تعریف رستگار (اهل سنت و جماعت).
۲۳	نام های گروه رستگار و تعریف آن .
۲۷	اصول اهل سنت و جماعت .
۲۷	اصل اول
۳۷	اصل دوم
۴۰	اصل سوم
۴۲	اصل چهارم
۴۴	اصل پنجم
۴۵	اصل ششم
۴۷	اصل هفتم
۵۱	اصل هشتم
۵۳	اصل نهم
۵۶	پایان (خاتمه) .
۶۲	فهرست مطالب